

جایگاه جابر بن حیان در اندیشه کراوس و سزگین

* سیده فاطمه محدث

** طاهره عظیم‌زاده تهرانی

چکیده

ابوعبدالله جابر بن حیان بن عبدالله کوفی (۲۰۰ - ۱۰۳ ق / ۸۱۵ - ۷۲۱ م)، دانشمند بزرگ شیمی در جهان تشیع و شخصیتی مورد بحث و جدل و موجد آرا و عقاید متفاوت و متعارض نزد شرق‌شناسان، از جمله مهم‌ترین شخصیت‌ها در تاریخ علوم اسلامی می‌باشد. دو تن از شرق‌پژوهان که درباره وی تحقیق بسیاری داشته و نظریات متفاوت ارائه داده‌اند، پاول کراوس و فؤاد سزگین می‌باشند. این مقاله درصدد بررسی نظرات این دو و دلایل آن درباره جابر می‌باشد؛ به این منظور ابتدا به معرفی جابر پرداخته، سپس به دیدگاه‌های کراوس و سزگین درباره او می‌پردازد.

واژگان کلیدی

جابر بن حیان، کراوس، سزگین، امام جعفر صادق علیه السلام، کیمیا.

طرح مسئله

جابر بن حیان یکی از چهره‌های مشهور جهان اسلام است که در علوم فلسفه، ریاضی، پزشکی و شیمی سرآمد روزگار خود بود. برخی منابع وی را از مردم کوفه می‌دانند و برخی دیگر او را اهل طوس

*. کارشناسی‌ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی و مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان شهید هاشمی‌نژاد مشهد.
fatemehmohaddess@gmail.com

ta_azim@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۷

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۶

خراسان معرفی می‌کنند.^۱ شیعیان وی را یکی از ابواب^۲ و از کسانی می‌دانند که در مصاحبت امام جعفر صادق علیه السلام بوده است.^۳

تاریخ تولد او مشخص نیست. تناقضات در مورد جابر و زندگی و آثار وی، آرای متفاوتی در مورد تاریخ وفات او ارائه می‌دهد؛ جلدکی کیمیاگر (م. ۷۴۳ ق / ۱۳۴۲ م) می‌گوید جابر بیش از نود سال عمر داشت و پس از سقوط و تبعید برمکیان (۱۸۷ ق / ۸۰۳ م) در کوفه تا زمان حکومت مأمون عباسی (۱۹۸ ق / ۸۱۳ م) در اختفا به سر می‌برد. براساس اطلاعاتی که از دست‌نویس کتاب *الرحمه* تألیف جابر از زیر سر (بالین) وی پیدا شده، گویا او در سال ۲۰۰ ق / ۸۱۵ م در طوس درگذشته^۴ است.^۵ در دیگر منابع نیز تاریخ وفات وی بین ۱۶۰ تا ۲۰۰ ق متفاوت ذکر شده است.^۶

تعدادی از محققان غربی درباره شخصیت جابر بن حیان، آثار و دانش وی به تحقیق و بررسی پرداخته و نظریات متعارضی ارائه داده‌اند. وی در غرب به عنوان پدر علم شیمی معروف است و کمتر دانشمند غربی را می‌توان یافت که با نام او آشنایی نداشته باشد.^۷

برای نخستین بار در سده ششم هجری / دوازدهم میلادی آثار جابر (به نام *گبر*)^۸ به زبان لاتین ترجمه شد. سپس در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری / ۱۷ و ۱۸ م، مستشرقان شروع به نوشتن مطالبی درباره جابر کردند^۹ و به شخصیت جابر و اهمیت وی در تاریخ علم شیمی توجه شد. هرمان کوپ^{۱۰} نخستین کسی بود که در سال ۱۸۶۹ م کوشید نشانی در منابع عربی درباره زمان زندگی جابر و آثار

۱. بنگرید به: ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۶۳۷؛ نصر، *علم و تمدن در اسلام*، ص ۲۵؛ انوشه، «جابر بن حیان»،

دائرةالمعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۴۶؛ آقایانی چاوشی، *شرح حال و آثار شیمیدانان اسلامی*، ص ۷۳.

۲. «ابواب» جمع «باب» به معنای در است و در میان شیعه به کسانی اطلاق می‌شود که خاصان یکی از ائمه علیهم السلام و مدخل و راه کسب فیض از آنان باشند. (ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۶۳۶)

۳. همان.

۴. به نوشته هانری کرین، از مطالعه شرح حالی که بعدها از مجموعه آثار به وسیله جلدکی کیمیاگر استنباط شده است، چنین برمی‌آید که جابر بن حیان کیمیاگر، شاگرد امام ششم علیه السلام و پیرو امام رضا علیه السلام بوده و در طوس (خراسان) در سال ۲۰۰ ق / ۸۱۵ م درگذشته است و هیچ دلیل قطعی ای وجود ندارد که این نظریه را نپذیریم. (کرین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ص ۱۸۷)

۵. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۱۷۴.

۶. بنگرید به: امین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۳۰؛ آقابزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۶، ص ۳۰۵.

۷. زکی نجیب، *تحلیل از آرای جابر بن حیان*، ص ۸.

8. Geber.

۹. بنگرید به: عظیم زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، *مشکوة*، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳.

10. Herman kopps.

وی در برخی کتابخانه‌های اروپایی بیابد. وی معتقد بود که نویسنده آثار لاتینی را نمی‌توان همان نویسنده مسلمان دانست. پس از او، برتلو^۱ با کمک دووال^۲ و هوداس^۳، آثار جابر را منتشر نمود. وی مدعی بود که آثار عربی ترجمه شده به لاتین متعلق به شخصی به نام گبر می‌باشد که وی با جابر نمی‌تواند یکی باشد. هولمیارد^۴ از سال ۱۹۲۳ م با آثار و بررسی‌هایش درباره زمان زندگی جابر و منشأ آگاهی‌های او، اهمیت جابر بن حیان را در تاریخ علم شیمی نشان داد. روسکا^۵ نیز در همین زمان به بررسی مسئله جابر پرداخت و در ابتدا به سادگی خود را قانع کرد که تمامی نوشته‌هایی را که به زبان عربی وجود دارد، آثار جعلی عرب‌ها بنامد، ولی پس از چندی، نظریات خود را تغییر داد.^۶

هولمیارد و روسکا برعکس برتلو معتقد بودند جابر و گبر یک نفر است که در سده دوم هجری / هشتم میلادی می‌زیست؛ با این تفاوت که هولمیارد به شاگردی جابر نزد امام جعفر صادق (ع) نیز معترف بود.^۷

پس از این، شاگرد روسکا، پاول کراوس^۸ به مدت چهارده سال (۱۹۴۴ - ۱۹۳۰ م) تحقیقاتی در مورد جابر بن حیان به انجام رساند. تحقیقات وی در مورد جابر به «مسئله جابری» مشهور شد.^۹

فؤاد سزگین^{۱۰} در اثر خود *تاریخ التراث العربی* در مورد جابر بن حیان گفتگو کرد و نظریات پاول کراوس را زیر سؤال برد. ماکس مایرهوف، هاپکینز و دکتر سید حسین نصر نیز به تحقیق مجموعه جابری پرداخته و بسیاری از گوشه‌های تاریک زندگی و آثار وی را روشن کرده‌اند.^{۱۱}

اهمیت این موضوع بدین سبب است که نتایج به دست آمده از سوی کراوس نه فقط در معنای محدودتر آن برای تاریخ علم، بلکه برای تحقیقات اسلام‌شناسی اهمیت داشته است.^{۱۲} از سوی دیگر

1. Berthelot.
2. Duval.
3. Houdas.
4. Holmyard.
5. Ruska.

۶. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۲۱۰ - ۲۰۷.

۷. کربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ص ۱۷۷؛ آقایانی چاوشی، *شرح حال و آثار شیمیدانان اسلامی*، ص ۷۸.

8. Paul Kraus.

۹. بنگرید به: عالم زاده و کوهکن، «مسئله جابری (نوع‌شناسی اشارات جابر بن حیان به امام جعفر صادق (ع))»، *اسلام‌پژوهی*، ش ۱، ۱۳۸۴.

10. Sezgin.

۱۱. انوشه، «جابر بن حیان»، *دایرة المعارف تشیع*، ج ۵، ص ۲۴۶.

۱۲. بنگرید به: پلسنر، «جابر بن حیان و دوره پیدایش آثار عربی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ۱۳۸۶.

فرضیه کراوس مورد پذیرش برخی شرق‌شناسان چون آلدومیه لی،^۱ پلسنر^۲ و لیوستر^۳ و نویسندگان ایرانی چون تقی‌زاده،^۴ مهدی محقق و حسن انوشه در *دائرةالمعارف* تشیع قرار گرفته است.^۵

اهمیت جابر بن حیان

در دوره اسلامی نخستین کسی که درباره علم کیمیا سخن گفت و کتاب‌هایی تألیف کرد و نیز درباره علم اکسیر و میزان به کتاب‌های فلاسفه توجه نمود، خالد بن یزید بن معاویه بود. او نخستین کسی است که در این علم مشهور گردید.^۶ ابن‌خلدون، جابر بن حیان را پیشوای تدوین‌کنندگان دانش کیمیا می‌داند و می‌گوید: «حتی این دانش [کیمیا] را به او اختصاص می‌دهند و آن را دانش جابری می‌نامند.»^۷

برخی از برجسته‌ترین موارد اهمیت جابر در تاریخ علم عبارتند از:

۱. آثار بسیاری به جابر بن حیان منسوب می‌باشد؛ تألیف مجموعه‌ای بزرگ تقریباً مشتمل بر سه هزار رساله به او منسوب است.^۸ به نوشته ابن‌ندیم، یک هزار و سیصد کتاب در فلسفه، یک هزار و سیصد کتاب در صنایع مجموعه و آلات حرب، دو کتاب بزرگ در طب و کتاب‌ها و رساله‌های بزرگ و کوچک دیگر منسوب به جابر بن حیان می‌باشد.^۹ سید محسن امین ۳۶۰ کتاب از آثار جابر را نام می‌برد.^{۱۰} به نوشته سید حسین نصر، مهم‌ترین تألیفات جابر مجموعه صد و دوازده کتاب است که بعضی از آنها را به جعفر برمکی^{۱۱} اهدا کرده است؛ هفت کتاب است که قسمت عمده آن به لاتین ترجمه شده است، کتاب *ترازو (الموازين)* نیز از دیگر آثار جابر است که در آن نظریه میزان^{۱۲} آمده

۱. میه لی، *علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان*، ص ۱۳۰.

۲. جابر بن حیان، *مختار رسائل جابر بن حیان*، ص ۳۵۶.

3. Leicester.

۴. تقی‌زاده، *تاریخ علوم در اسلام*، ص ۴۱.

۵. بنگرید به: انوشه، «جابر بن حیان» *دائرةالمعارف تشیع*، ج ۵، ص ۲۴۶؛ بنگرید به: عظیم‌زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، *مشکوٰه*، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳.

۶. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۳۶.

۷. ابن‌خلدون، *مقدمه*، ج ۲، ص ۱۰۶۹.

۸. کربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ص ۱۷۷؛ ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، ص ۳۰۲.

۹. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۶۴۰.

۱۰. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۳۶.

۱۱. خاندان برمکی از سال ۱۷۰ تا ۱۸۷ ق در دربار عباسیان در مسند قدرت بودند.

۱۲. علم میزان، نوعی معادله در طبایع موجود در معادن می‌باشد.

که مبنای همه‌ی کیمیای جابر می‌باشد. وی همچنین در زمینه فلسفه، منطق، طب، علوم غریبه^۱، فیزیک و مکانیک و تقریباً همه‌ی حوزه‌های دیگر معرفت‌آثاری دارد.^۲ همچنین جابر به استناد منابع در مذهب شیعه^۳ و نیز در مورد کارکرد اسطرلاب^۴ آثاری نگاشته است.

۲. جابر بن حیان در زمینه علم شیمی، ابتکارهای بسیاری داشته است که از جمله آنها تهیه اسید سولفوریک، تهیه اسید نیتریک، تهیه سنگرف (Hgs)، تهیه هیدروکسید کربنات سرب و نوشادر مصنوعی می‌باشد.^۵

۳. تا پایان سده نهم هجری / پانزدهم میلادی کتاب‌های درسی دانشگاه‌های اروپا در زمینه‌های شیمی منحصر به آثار جابر بن حیان بوده است.^۶

۴. همین که در کهن‌ترین و معتبرترین منابع رجالی و فهرستی شیعه، از قبیل کتاب *فهرست نجاشی* و *رجال* و *فهرست شیخ طوسی* که هر دو در سده پنجم هجری تألیف شده‌اند و نیز *رجال* کشی، هیچ‌ذکری از فردی به نام جابر بن حیان در میان نیست، نکته‌ای حائز اهمیت^۷ و تردیدبرانگیز می‌باشد. نام این شخصیت مشهور به ظاهر از اواخر سده چهارم هجری بر سر زبان‌ها افتاده است که خود جای بسی تأمل دارد.^۸

تحقیقات کراوس و سزگین درباره جابر بن حیان

پاول کراوس (۱۹۴۴ - ۱۹۰۴ م) از خانواده‌ای یهودی بود که در پراگ، پایتخت چکسلواکی متولد شد. در ۱۹۲۹ م دکترایش را در علوم شرقی در برلین گرفت. از این زمان، تحقیقاتش را بر روی جابر بن حیان آغاز نمود و در واقع پژوهش‌های استادش روسکا را دنبال کرد. این در حالی است که پس از مدتی روسکا پژوهش‌های خود را تقریباً بی‌اعتبار شمرده است.^۹ در سال ۱۹۳۶ م به دانشگاه مصر برای تدریس

۱. علوم غریبه شامل علوم ساحری و طلسمات است.

۲. نصر، علم و تمدن در اسلام، ص ۲۶.

۳. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۶۳۷.

۴. بنگرید به: قفطی، *تاریخ الحکما*، ص ۲۲۱.

۵. آقایانی چاوشی، *شرح حال و آثار شیمیدانان اسلامی*، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

۶. زکی نجیب، *تحلیلی از آرای جابر بن حیان*، ص ۱۲.

۷. انوشه، «جابر بن حیان»، *دائرةالمعارف تشیع*، ج ۵، ص ۲۴۵.

۸. بنگرید به: جهانبخش، «میراث جابر بن حیان یا مرده ریگ کیمیایی غالبان؟ (یک کتابگذاری و چند یادآوری)»، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۰، ۱۳۸۸.

۹. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۲۱۵.

دعوت شد. پس از مدتی اقامت در مصر، سفرهایی به فلسطین داشت و در ۱۹۴۴ م خبر خودکشی او در جهان منتشر شد. وی وابسته به گروه مبارزان راه آزادی اسرائیل یا شیترن بود. گویا علت خودکشی او نیز در ارتباط با این سازمان بوده است.^۱

یکی از ویژگی‌های اصلی مجموعه جابری^۲ این است که اطلاعات عرضه‌شده در آن براساس پراکندگی علم در رساله‌های مختلف مجموعه، پراکنده شده است؛ به این معنا که جابر برای هر مبحث، خواننده را به‌طور مکرر به رساله‌های دیگر خویش ارجاع می‌دهد. همین اصل برای محققان امکان استخراج اطلاعاتی مفید در زمینه ترتیب زمانی احتمالی نگارش رسائل را فراهم آورده است. کراوس اولین فردی بود که به‌طور جدی به این مهم پرداخت و در نتیجه تحقیقات دامنه‌دار وی، اکنون فهرستی از آثار جابر براساس ترتیب زمان نگارش آنها در دست داریم. کراوس نتایج پژوهش‌های خویش درباره جابر را در دو جلد منتشر کرد: در جلد اول حدود هفتاد درصد نسخه‌های خطی موجود را بررسی و از اسامی و مطالب آن، فهرستی تدوین نمود؛ در جلد دوم به بررسی مشروح دستاوردهای علمی جابر پرداخت. وی کوشیده است به کمک نقل قول‌هایی که در خود متون است، و یا آثاری که در *الفهرست* آمده، به ترتیب نسبی زمانی، کتاب‌شناسی انتقادی شماره‌داری از آثار جابر فراهم آورد: قبل از همه کتاب *الرحمه* قرار دارد، سپس صد و دوازده کتاب، هفتاد کتاب (کتاب السبعین)، پس از آن کتاب *الموازین*، سپس پانصد کتاب و در نهایت هفت کتاب درباره هفت فلز (کتاب الاجساد السبعة).^۳

کراوس در ۱۹۳۰ م مقاله‌ای با عنوان «جابر بن حیان و اسماعیلیه» منتشر کرد. روسکا با ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌هایی که تا آن زمان انجام یافته بود، توضیحات کراوس را در مقاله‌ای با عنوان «فروپاشی افسانه جابر» در دسترس حلقه وسیع‌تری از علاقه‌مندان قرار داد. کراوس، جابر بن حیان را شخصیتی مجهول دانست و در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که آثار جابر، ارتباط عمیق و محکمی با نهضت مذهب اسماعیلیه و قرامطه دارد. از آنجاکه ظهور این فرقه در سده سوم هجری بود، شخصیت جابر، زمان زندگی وی و آثار نوشته‌شده توسط او را مورد تردید قرار داد و فرضیه‌ای مبنی بر جعلی بودن آثار جابر ارائه داد نمود.^۴

۱. بنگرید به: عظیم‌زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، مشکوة، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳.

۲. مجموعه جابری، مجموعه‌ای بزرگ تقریباً مشتمل بر سه هزار رساله است که به جابر منسوب می‌باشد. (کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۱۷۷)

۳. بنگرید به: عظیم‌زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، مشکوة، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳؛ بنگرید به: عالم‌زاده و کوهکن، «مسئله جابری (نوع‌شناسی اشارات جابر بن حیان به امام جعفر صادق علیه السلام)»، اسلام‌پژوهی، ش ۱، ۱۳۸۴.

۴. آقایانی چاوشی، شرح حال و آثار شمیم‌دانان اسلامی، ص ۷۹.

فؤاد سزگین، پژوهشگر ترک مقیم آلمان با تکیه بر کتابنامه کراوس، مجموعه‌ای از آثار جابر را ذکر کرد. وی سی کتاب و رساله را بر فهرست^۱ بروکلیمان^۲ - که هشتاد و هشت کتاب جابر را جمع‌آوری کرده بود - افزود.^۳

سزگین هفده سال پس از مرگ پاول کراوس، در سال ۱۹۶۱ م در پانزدهمین کنفرانس شرق‌شناسی آلمان در گوتینگن، دلایلی در رد نظریات کراوس ارائه داد. نظریات وی به نام «مسئله جابر بن حیان با توجه به دستنویس‌های جدیداً کشف‌شده» در شماره ۱۱۴ مجله ZDMG در سال ۱۹۶۴ م چاپ شد. وی در همین سال مقاله «جابر بن حیان و زمان نگارش آثار جابر» را در همین مجله به چاپ رساند.^۴

مقایسه‌ای میان نظریات کراوس و سزگین

کراوس در نخستین مقاله خویش در مورد جابر به این نتیجه رسیده است که آثار منسوب به جابر، دارای انسجامی واحد هستند؛ یعنی متعلق به یک نویسنده یا دست‌کم یک روش که در فاصله زمانی نه‌چندان دوری به رشته تحریر درآمده‌اند. وی پس از بررسی‌های بیشتر روی جابر بن حیان به این نتیجه می‌رسد که کل آثار جابر در فاصله زمانی صد سال (۳۵۰ - ۲۵۰ ق) نوشته شده است. او می‌گوید: «توانستم مسئله خاستگاه نوشته‌های جابر را بر پایه تاریخ دینی اسلام بنا کنم و برهان قاطع بر اصیل نبودن نوشته‌های جابر و اینکه تاریخ نگارش آنها به زمانی دورتر بازمی‌گردد و نویسندگان شناخته‌شده نیستند، بیاورم.»^۵

کراوس همچنین در مورد جابر بن حیان می‌گوید:

در این صورت [در صورت پذیرفتن جابر در سده دوم هجری / هشتم میلادی جابر واسطه واقعی علوم یونانی در میان اعراب بوده است. او به عنوان شخصیتی با اصالت و استقلال فراوان و با دانش جامعی نسبت به ادبیات یونانی در آغاز راه تاریخ روحانی اسلام ایستاده است. او کسی است که مدت‌ها پیش از مترجمان بزرگ سده ۳ ق / ۹ م، به زبان علمی عربی دست یافت. او نمونه بارزی از

۱. بروکلیمان در سال ۱۹۰۳ م نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه براسلاو و نسخ خطی شرقی کتابخانه هامبورگ را فهرست کرد. (سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، ص ۳۱۶.

2. Brockelman, C.

۳. سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، ص ۳۱۷ - ۳۱۶.

۴. همان، ص ۲۱۴؛ بنگرید به: عظیم‌زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، مشکوة، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳.

۵. بنگرید به: سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، ص ۲۱۴.

دانشمندان اسلامی است که همانندش تا آن زمان هرگز وجود نداشته است. او نه تنها بر روی موضوعات منفرد علوم طبیعی، آن گونه که شاید شایسته علوم سده ۲ ق / ۸ م بود، کار کرده بود، بلکه دانش خود از طبیعت را مستحکم و کاملاً متناسب با آموزه‌های فلسفی بالا برد و در زمینه الهیات اسلامی صرف نظر از جنبه شیعی آموزه‌های او، تعالیم معتزلی را تا اندازه‌ای مستقل و جامع معرفی کرد که تا آن زمان در بینش آنها هرگز وجود نداشت. اگر آثار جابر اصیل هستند، یعنی به نیمه دوم سده ۲ ق / ۸ م تعلق دارند، پس باید در این مورد و بسیاری موارد دیگر نوآموزی کنیم.^۱

سزگین می‌گوید: «هنگامی که انسان کتاب دو جلدی قطور کراوس را که در سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ م منتشر کرده، مطالعه می‌کند، این تصور برایش پیش می‌آید که نویسنده به یک سلسله پیش‌فرض‌ها و افکار قبلی پایبند بوده، به گونه‌ای که حاضر نبوده در صحت آنها به خود تردیدی راه دهد.» وی پس از اینکه از هوشیاری و تلاشگری کراوس یاد کرده، نوشته است: «کراوس به بعضی از کلمات و افکار جابر که به گونه‌ای صحیح درک نکرده، استناد جسته و بعضی از نصوص را با این تصور که حقیقت را کشف کرده، در نهایت آزادی، تأویل و توجیه نموده است.»^۲

در اینجا به بررسی نظریات کراوس پرداخته شده و نظریات سزگین در رد دیدگاه‌های کراوس ارائه می‌گردد.

۱. اسماعیلی بودن آثار جابر

به احتمال استاد کراوس به نام شدر^۳ که روی اندیشه اسماعیلی کار می‌کرد، توجه وی را به تفکرات اسماعیلی در کتاب *البیان* جابر جلب کرده است.^۴

علاوه بر این، کراوس در کتاب *الإخراج* تألیف جابر، حین بررسی دلایل، نخست نام قرمطیان را در کنار فلاسفه، هندی‌ها، مزدکی‌ها و دیگران می‌یابد. وی در این زمینه می‌گوید: «ریشه نام قرمطی هرچه که باشد، مسلم است که این آیین تا ۲۷۰ ق / ۸۸۳ م بر صحنه تاریخ پیدا نشده است ... [بنابراین] چنین برمی‌آید که کتاب *الإخراج* و نیز همه مجموعه کتاب‌های میزان که جزئی از آن است،

۱. بنگرید به: پلسنر، «جابر بن حیان و دوره پیدایش آثار عربی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ۱۳۸۶.

۲. سزگین، *گفتارهایی پیرامون علوم عربی*، ص ۷۱.

3. Schaeder.

۴. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۲۱۵.

در قرن ۲ ق / ۸ م تألیف نشده است.^۱

کراوس در همین کتاب *الإخراج* دلیلی دیگر بر بی‌اصالتی آثار جابر ارائه می‌دهد و آن اینکه، جابر از قضیه نجومی دو حرکت فلک‌های آسمانی در جهت مخالف هم سخن به میان آورده است؛ بدین معنا که حرکت خورشید و سیارات از مشرق به مغرب، صرفاً خطای حسی است و این امر در واقع با گردش روزانه بالاترین افلاک انجام می‌شود. در نهایت کراوس چنین نتیجه می‌گیرد که جابر خواسته است طبق عادات اسماعیلیه، از تمثیل‌هایی برای اعلام و توجیه ظهور سلسله فاطمی و تأسیس آن در شمال آفریقا (۲۹۶ ق / ۹۰۸ م) استفاده کند.^۲

سزگین ضمن رد هر گونه جانبداری دینی و مذهبی در آرای جابر،^۳ معتقد است آشنایی مستشرقان در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی با مکتب اسماعیلیه و عقاید اخوان الصفا، موجب شده هر مکتب و عقیده‌ای را با مکتب اسماعیلیه مقایسه کرده و متأثر از آن بدانند. به اعتقاد وی، کراوس از زمان ظهور سیاسی قرامطه به عنوان دلیلی بر تأیید نظریه خود استفاده کرده و ظاهراً به دوره پیشین آنان توجهی نکرده است؛ درحالی‌که بررسی اصطلاحات تخصصی قرمطی نشان می‌دهد که این مذهب پیش از سده دوم هجری / هشتم میلادی در محافل امامیه کوفه تشکیل شده بود. وی همچنین در رد نظریه دوم کراوس در این زمینه می‌گوید: کل متن عربی [کتاب *الإخراج*] غیر قابل اعتماد است و کراوس این متن را براساس دست‌نویسی ناقص در قاهره، تصحیح و منتشر کرده است. سزگین ضمن اینکه این متن را متعلق به کتاب *گذر از حالت قوه به فعل* می‌داند، کراوس را زیر سؤال می‌برد که به اشتباه، اظهار عقاید دیگر گروه‌ها توسط جابر را به خود جابر منتسب می‌کند.^۴

سزگین همچنین به اظهارات جابر در کتاب *الخمسين* اشاره دارد و می‌گوید: «ظاهراً وی [جابر] با نام اسماعیلیه به عنوان پیروان اسماعیل یا محمد بن اسماعیل آشنا نبوده است. او بیشتر از واژه شیعه استفاده می‌کرده و منظور از این نام، احتمالاً کل شیعیان با گرایش‌های گوناگون بوده است. وی در جایی واژه «القوم» را به کار می‌برد و منظور وی، احتمالاً پیروان اسماعیل بوده است. همچنین او با واژه «الغلات» که برای شیعیان تندرو استفاده می‌شده، آشنا بوده است.^۵

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۲۲۳ - ۲۲۲.

۳. همان، ص ۲۲۷.

۴. همان، ص ۲۲۳ - ۲۲۲.

۵. همان، ص ۲۲۷.

در نهایت سزگین معتقد است جابر در مسئله امامت بیشتر طرفدار امام موسی علیه السلام بوده است تا پسر اسماعیل.^۱

۲. شاگردی امام جعفر صادق علیه السلام

انتساب «مجموعه جابری» به ملحقات اسماعیلی از سوی پاول کراوس، وجود جابر در سده دوم هجری / هشتم میلادی و شاگردی امام صادق علیه السلام را نیز نفی می‌کند. وی در این رابطه این فرضیه را مطرح کرده که امکان ندارد آثار جابر در دوره حیات امام تألیف شده باشد؛ درحالی که اشاره به امام در تمامی مجموعه‌ها وجود دارد. او همچنین معتقد است که اگر جابر به واقع از شاگردان خاص امام جعفر صادق علیه السلام می‌باشد، چرا رد پایی از او در تراجم شیعی وجود ندارد؟^۲

این در حالی است که جابر، خود در چندین جا تصریح کرده که سرچشمه دانش او، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و سرورش جعفر صادق علیه السلام می‌باشد. وی در کتاب *الرحمه و الموازین* خویش، اشاراتی به امام جعفر صادق علیه السلام دارد. او منشأ علوم خود را وحی الهی می‌داند.^۳ وی مکرر در آثار خود اشاره کرده است که کاری جز بیان نظریات استاد خویش ندارد و پیرو روش رمزی و تأویلی اشیای متعارف میان پیروان مذهب تشیع می‌باشد.^۴ این چیزی است که هولمیارد نیز به آن معترف است و می‌گوید: «جابر می‌کوشید تا با راهنمایی استاد خود، علم شیمی را از قید افسانه‌های کهن مکتب اسکندریه آزاد کند و در این راه تا حد زیادی به مقصود رسید.»^۵

طبق تحقیقات فؤاد سزگین، از قدیمی‌ترین اشخاصی که نام جابر را ذکر کرده‌اند، یکی سالم حرآنی متعلق به سده دوم هجری / هشتم میلادی است که در رساله‌اش به کتاب *الرحمه* جابر اشاره کرده است.^۶ همچنین یحیی بن خالد الغسانی از معاصران جوان‌تر جابر و مترجم کتاب *اسطوانات*، برخی دستورات جابر را با دستورات کیمیاگران قدیمی‌تر در پیوست کتابش آورده است. نیز در کتاب

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. بنگرید به: عالم‌زاده و کوهکن، «مسئله جابری (نوع‌شناسی اشارات جابر بن حیان به امام جعفر صادق علیه السلام)»، *اسلام‌پژوهی*، ش ۱، ۱۳۸۴.

۳. زکی نجیب، *تحلیلی از آرای جابر بن حیان*، ص ۴۱.

۴. نصر، *علم و تمدن در اسلام*، ص ۲۸۰.

۵. آقاییانی چاوشی، *شرح حال و آثار شیمیدانان اسلامی*، ص ۷۴.

۶. در این باره مارتین پلسنر، شاگرد و دستیار کراوس و طرفدار فرضیه وی، عقیده جالب توجهی را ارائه می‌دهد. (بنگرید به: پلسنر، «جابر بن حیان و دوره پیدایش آثار عربی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ۱۳۸۶، ص ۸۲)

شرح الرحمة و الظلمه که در آن نام نویسنده یحیی بن ابی بکر برمکی ذکر شده، او خود را شاگرد جابر می‌خواند. احتمالاً این شخص همان یحیی بن خالد برمکی است.^۱

سزگین علاوه بر این می‌گوید: «ما نیز همچون استیپلن در آگاهی‌های جعفر صادق علیه السلام از کیمیا شکی نداریم.»^۲ به اعتقاد وی، جابر پانصد کتاب را به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه کرده است.^۳

۳. تقدیم آثار به برمکیان

پاول کراوس معتقد است نمی‌توانسته هم در میان مجموعه‌های نخستین (مشمول بر ۱۲۲ کتاب) و هم آخرین مجموعه‌ها، آثاری وجود داشته باشد که به خاندان برمکی تقدیم شده باشد. او می‌گوید: «زمان پیدایش آنها [برمکیان] به ۱۷۰ ق / ۷۸۶ م باز می‌گردد. به خصوص اینکه یکی از رساله‌ها به جعفر بن یحیی برمکی اهدا شده که تولدش در ۱۵۰ ق / ۷۶۷ م بوده است.»^۴

به نوشته فؤاد سزگین، تقدیم به برمکیان در رساله‌های آخر، قاعدتاً به لحاظ زمانی مشکل ایجاد نمی‌کند. عناوین مورد نظر به صورت تقدیم‌شده به برمکیان، فقط در فهرست ابن‌ندیم آمده است (که ۱۱۲ کتاب را عنوان می‌کند). درباره سه مورد از رساله‌های اهدایی (از ۱۱۲ کتاب) نه نسخه‌ای به دست آمده و نه در هیچ جای دیگر از مجموعه، نامی از آنها ذکر شده است؛ درحالی که از ویژگی‌های مهم مجموعه رساله‌ها، ارجاعات درونی متعدد به یکدیگر است که این نکته تعلق این سه رساله به مجموعه را با مشکل مواجه می‌کند. دو رساله دیگر نیز از همین مجموعه وجود دارد که به برمکیان تقدیم شده که شامل کتاب *الأسطفس الأول الی البرامکه و اسطفس الأس الثانی الیهیم* می‌باشد که عناوین این رساله‌ها به صورت تقدیم‌شده به برمکیان، تنها در *الفهرست* ابن‌ندیم آمده است. احتمال دارد عبارت «الی البرامکه» را بعدها مؤلف یا راوی یا دیگران بر آن افزوده باشند؛ احتمالی که کراوس آن را در این مجموعه به دفعات مورد بررسی قرار داده است.^۵

۴. کثرت آثار جابر بن حیان

آثار بسیاری که منسوب به جابر بن حیان می‌باشد، تقریباً مشتمل بر همه علوم است که به

۱. سزگین، تاریخ نگارش‌های عربی، ج ۴، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۱۷۰.

۳. همان، ص ۲۸۶.

۴. همان، ص ۲۱۹.

۵. همان، ص ۲۲۰.

مسلمانان منتقل شده است. متأسفانه اصل عربی بسیاری از این آثار در دست نیست و فقط ترجمه‌های لاتین آنها موجود می‌باشد.^۱

همین مسئله، موضوع مورد بحث نظریه‌پردازانی چون پاول کراوس گردیده است؛ وی معتقد است: «چنانچه نزدیک به ۲۵۰ اثر با ابعاد رساله‌های جابر را به کندی، فیلسوف مؤلف قرن ۳ ق / ۹ م نسبت دهیم، انتساب هزاران مقاله به یک مؤلف از قرن ۲ ق / ۸ م. در تضاد با تمام اندیشه‌هایی قرار می‌گیرد که درباره تکامل ادبیات عرب مطرح شده است.»^۲

سزگین در تاریخ نگارش‌های عربی ضمن اینکه قرن اول هجری / هفتم میلادی سرآغاز علوم اسلامی در همه زمینه‌ها می‌داند^۳ صدها کتاب و رساله از آثار جابر نام می‌برد^۴ معتقد است جابر همچون شیوه متداول روم و یونان باستان، دانش خود را در مقالات متعددی تقسیم کرده بود. وی با استناد به نقل قول‌های روسکا و هانری کربن می‌گوید: این آثار «در مقایسه با آثار متعدد کسی چون ابن عربی به نظر اندک می‌آید. از نظر مادی، اینکه فقط یک نویسنده همه آنها را تألیف کرده است، امری ناممکن به‌شمار نمی‌آید.»^۵

۵. عربی بودن آثار جابر

به عقیده پاول کراوس، قرار دادن مجموعه آثار جابر در عصری که تألیفات علمی زبان عربی در آغاز راه خود بود، به شگفتی و اعجاب منتهی می‌شود. فؤاد سزگین در رد این نظریه، شخصیت و آثار جابر را به دوره ابتدایی علوم عربی متعلق نمی‌داند. به عقیده وی، قرن دوم هجری / هشتم میلادی دوره‌ای است که در آن تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان و دیگر دانشمندان عرب درباره موضوعات تخصصی آن زمان، آثار متعدد پر حجم و نظام‌مند تألیف می‌کردند.^۶

۶. چگونگی استفاده جابر از آثار یونانی

پاول کراوس در نقد جابر و آثار وی به استفاده جابر بن حیان از آثار یونانی اشاره دارد. برخی از این آثار که کراوس بر روی آنها کم و بیش تحقیق کرده است، عبارتند از: آثار افلاطون در کتاب *مصححات*

۱. مصاحب، *دایره المعارف فارسی*، ذیل کلمه جابر بن حیان.

۲. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۱۷۵.

۳. همان، ص ۱۸۹.

۴. بنگرید به: همان، ص ۲۸۶.

۵. همان، ص ۱۷۶.

۶ همان.

افلاطون، آثار منسوب به آپولونیوس تیانایی (پلیناس)، آثار منسوب به جالینوس و اسکندر افرودیسی.^۱

کراوس معتقد است جابر بن حیان از ترجمه عربی این آثار که بیشتر در سده سوم هجری / نهم میلادی انجام گرفته، استفاده کرده است. وی در این باره می‌نویسد: «اگر نوشته‌های جابری اصیل باشد، از این پس باید تصور کنیم که ترجمه‌های عربی آثار ارسطو،^۲ اسکندر افرودیسی،^۳ جالینوس و پلوتارک مجعول،^۴ بیش از یک قرن قبل از تاریخ مورد پذیرش همگان صورت گرفته است. در نتیجه دیگر خوارزمی نخواهد بود که حساب هندی را معرفی کرد و نه مکتب حنین که اصطلاحات علمی زبان عربی را به صورتی قطعی تثبیت نمود.»^۵ به عقیده وی در صورت پذیرش شخصیت جابر در سده دوم هجری، مجبوریم نگرش خود را نسبت به بسیاری از مسائل تاریخ اسلام تغییر دهیم. جابر در این صورت ناقل واقعی علوم یونانی به عربی بوده و بی‌شک از منابع یونانی اطلاعاتی جامع داشته و کسی است که مدتها پیش از مترجمان بزرگ سده سوم هجری / نهم میلادی زبان علمی عرب‌ها را ایجاد کرده است.^۶ فؤاد سزگین در رد این نظریه کراوس، ابتدا دلایلی در استفاده جابر از آثار یونانی ارائه می‌دهد.

وی ضمن طرح اهمیت منشأ آگاهی‌های جابر،^۷ برخی از این دلایل را چنین عنوان می‌کند:

۱. کراوس خود از میان منابع جابر توانسته صرفاً برخی از آثار ارسطو، جالینوس، اسکندر افرودیسی و برخی دیگر از آثار دانشمندان را به اثبات رساند که بیشتر آنها در کتاب *البحث*، یکی از جدیدترین آثار جابر آمده است. همچنین می‌توان به برخی اسامی یونانی اشاره داشت که کراوس از آنها نام برده است. بنابراین جابر تنها با بخش کوچکی از آنچه مسلمانان در نیمه اول سده سوم هجری / نهم میلادی شناختند، آشنا بوده است.^۸

۲. سزگین از کتاب *سرّ الخلیفه*^۹ جابر به عنوان مهم‌ترین و پر حجم‌ترین منابع جابر نام می‌برد که

۱. همان، ص ۱۹۵، ۱۹۸ و ۲۰۴.

2. Aristoteles.

3. Alexandre Aphrodisias.

4. Ps-Plutarque.

۵. بنگرید به: عالم‌زاده و کوهکن، «مسئله جابری (نوع‌شناسی اشارات جابر بن حیان به امام جعفر صادق علیه السلام)»، *اسلام‌پژوهی*، ش ۱، ۱۳۸۴.

۶. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۲۱۶؛ بنگرید به: عظیم‌زاده، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، *مشکوة*، ش ۸۵ - ۸۴، ۱۳۸۳.

۷. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۱۸۷.

۸. سزگین، *گفتارهایی پیرامون علوم عربی*، ص ۷۳.

۹. این کتاب به معنای راز آفرینش و روش فنی طبیعت، در دوران خلافت مأمون عباسی (م. ۲۱۸ ق) توسط مسلمانی گمنام تحریر شد و به نام آپولونیوس تیانایی منسوب گردید. (کربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ص ۱۷۶)

منسوب به آپولونیوس تیانایی (بلنیاس) می‌باشد. به اعتقاد وی، این تنها منبع جزو آثار مجعول^۱ است که کراوس آن را مورد بررسی قرار داده و با متن جابر بن حیان مقایسه کرده است.^۲

۳. استاد جابر^۳ در کیمیا - به نقل خود جابر - راهبی بوده است که شاگرد مریانس، استاد خالد بن یزید می‌باشد.^۴

سزگین سپس به میزان تحقیقات کراوس بر روی این آثار یونانی و تطابق آنها با آثار جابر می‌پردازد و معتقد است تحقیقات کراوس بر روی آثار افلاطون نتوانسته مشخص کند که آیا جابر در *مصححات افلاطون*، به‌طور مستقیم به نوشته‌ای منسوب به افلاطون استناد کرده، یا آنکه از نقل قول‌های منسوب به وی استفاده کرده است؟

همچنین می‌گوید کراوس درباره ارتباط مجموعه آثار جابر با آثار منسوب به آپولونیوس تیانایی، بررسی نسبتاً مشروحی انجام داده است.^۵

پس از این سزگین در رد فرضیه کراوس - مبنی بر اینکه برخی از ترجمه‌های موجود (متعلق به سده سوم هجری / نهم میلادی) تنها برگردان کتاب‌های یادشده [در نقل قول فوق] از یونانی به زبان عربی است و بر همین اساس جابر بن حیان متعلق به سده دوم هجری / هشتم میلادی نمی‌باشد - دلایل ذیل را مطرح می‌کند:

۱. ما باید خود را از این توهم اولیه رها کنیم که آغازین زمان ترجمه آثار یونانی به عربی قرن سوم هجری بوده است.^۶

۲. بسیاری از کتاب‌های یونانی، دو یا سه بار به زبان عربی ترجمه شده‌اند بسیاری از نخستین ترجمه‌ها متعلق به سده دوم هجری / هشتم میلادی است که از آن جمله می‌توان به آثار ارسطو و جالینوس اشاره داشت.^۷

۱. منظور از آثار مجعول، آن دسته از منابع یونانی است که به نظر می‌رسد در اواخر دوره پیش از ظهور اسلام، به نام برخی از شخصیت‌های یونانی جعل شده است. (بنگرید به: سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۱۹۴)

۲. همان، ص ۱۹۵ و ۱۹۷.

۳. به نوشته سید حسین نصر، از کسانی که جابر به‌عنوان مراجع و منابع خود در کیمیا به آنها نظر داشته، مخلوط عجیبی فراهم می‌شود: خدایان یونانی و مصری همچون هرمس آغادادیمون، فیلسوفانی همچون فیثاغورس و سقراط و نیز چهره‌های دیگری که هویت ایشان هنوز در تاریکی قرار گرفته است. (نصر، *علم و تمدن در اسلام*، ص ۲۸۱)

۳. سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۴، ص ۱۹۵ و ۱۹۸.

۴. همان، ص ۱۷۵.

۵. همان، ص ۱۹۵ و ۱۹۸.

۶. همان.

۷. همان، ص ۲۱۷.

۳. از کتاب‌های اسکندر افرویدی تنها در یکی از آثار اخیر جابر به نام کتاب *البحث* نقل قول شده است.

۴. روش جابر در استفاده از منابع، نقل قول واژه به واژه می‌باشد. جابر از برخی متون کتاب *Placita Philosophorum* اقتباس کرده، بدون آنکه نامی از پلوتارک یا کتاب او ببرد. نقل قول‌های جابر با ترجمه موجود، واژه به واژه و دقیقاً مطابقت دارد. بنابراین باید بپذیریم که جابر از این ترجمه استفاده کرده، ولی در ترجمه، نام مترجم ذکر نشده است. تنها از طریق *فهرست ابن‌ندیم* می‌توان به این نتیجه رسید که این کتاب توسط قسطا بن لوقا ترجمه شده است. سزگین در ادامه می‌گوید: «با وجود آنکه به نظر نمی‌رسد که ابن‌ندیم مستقیماً خود از این کتاب استفاده کرده است، دلیل کافی برای طرح این فرضیه در اختیار نداریم که وی ذکر نام مترجم را اشتباه کرده است. ما با فرض کراوس مبنی بر آنکه جابر از ترجمه قسطا بن لوقا در نیمه دوم قرن ۳ ق / ۹ م استفاده کرده، و این امر می‌توانسته دلیلی برای زمان نگارش بعدی آثار جابر بوده باشد، موافق نیستیم.» سزگین در ادامه به این نکته می‌پردازد که ابن‌ندیم این ترجمه توسط قسطا بن لوقا را تنها ترجمه نمی‌داند. علاوه بر این، کراوس می‌داند که این کتاب در محافل دانشمندان عرب پیش از قسطا بن لوقا مشهور بوده و مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بنابراین با بهره‌گیری از دیگر نمونه‌هایی که کراوس ارائه می‌دهد، مشخص می‌شود که جابر به صورت واژه به واژه از منابع خود نقل قول می‌کند و از آنجا که این امر در نقل قول‌های او از کتاب *Placita Philosophorum* واضح‌تر است، چاره‌ای جز پذیرش این مطلب نداریم که جابر منابع اصلی یونانی و حتی فصل‌ها و بخش‌های آن را به دقت و حتی واژه به واژه ذکر می‌کند. براساس همین دلایل، ترجمه‌هایی که وی از آنها استفاده کرده، با ترجمه‌های موجود متعلق به سده سوم هجری / نهم میلادی تفاوت دارد و تنها در مفهوم با هم اشتراک دارند.

۵. به اعتقاد سزگین، کراوس نمی‌تواند بپذیرد که جابر پیش از خواریزی نسبت به ارقام هندی آشنایی داشته باشد. «پذیرفتن جابر در سده ۲ ق / ۸ م، چه دلیل اساسی و متقنی در رد خواریزی به عنوان نخستین واردکننده شیوه محاسبه هندی به جهان اسلام ارائه می‌دهد؟ آیا این گفته، فرضیه‌ای بی‌پایه و اساس نیست؟» او در ادامه می‌گوید مسلمانان با حساب هند از طریق ترجمه سند هند در پایان سال ۱۵۶ق، یعنی حداقل نیم قرن پیش از خواریزی آشنایی داشتند.^۱

۶. در برخی موارد نیز ساختار پیچیده جملات جابر، موجب بدفهمی کراوس شده است و باعث

۱. سزگین، *گفتارهایی پیرامون علوم عربی و اسلامی*، ص ۷۳.

شده وی در برخی موارد مانند استفاده جابر در نظریه میزان از منبع بلیناس، موفقیت های جابر را به بلیناس نسبت دهد و سپس نتواند آنها را در کتاب بلیناس به اثبات برساند. به عقیده سزگین همین مسئله است که گاهی موجبات شک و تردید کراوس را فراهم آورده است.^۱

۷. از پیشرفت علمی همچون جغرافی، ریاضیات، پزشکی و فلسفه در این سده ها در مجموعه آثار

جابر هیچ نشانی نیست. البته این امر نشانگر زمان نگارش این آثار پیش از سده سوم هجری می باشد.^۲ در انتها اینکه، سزگین ضمن اشاره به اینکه استفاده جابر از آثار یونانی، بیانگر تبادلات فرهنگی و علمی در این سده می باشد، می گوید: «بیهوده است که بخواهیم صدها اثر یونانی را نام ببریم که از قرن ۳ ق / ۹ م به عربی ترجمه شده و جابر با آنها آشنا نبوده است. تنها تشخیص این نکته که جابر فقط برخی از کتاب های یونانی را می شناخته، نشانی از این مطلب است که وی پیش از قرن ۳ ق / ۹ م می زیسته؛ عصری که در آن، بسیاری از آثار یونانی به عربی ترجمه شده است.»^۳

تحلیلی بر آرا

سزگین نخستین کسی نیست که کار پژوهشی روسکا و کراوس درباره چگونگی آغاز و گسترش کیمیاگری عربی را مورد انتقاد قرار داده است و جابر را متعلق به قرن دوم می داند؛ کسانی چون حاجی خلیفه همه جا نام جابر را با عبارت «شاگرد [امام] جعفر صادق علیه السلام» ذکر می کند^۴ و کارادوو^۵ به هنگام سخن گفتن از جابر می گوید: «او دو معلم داشت به نام های خالد بن یزید بن معاویه و [امام] جعفر صادق علیه السلام داشت.»^۶ یحیی هاشمی یکی از شاگردان پاول کاله در سال ۱۹۵۹ م در کنگره بین المللی تاریخ علوم مادرید، علیه نظرات روسکا سخنرانی کرد و جابر را شاگرد امام جعفر صادق علیه السلام و متعلق به قرن دوم معرفی نمود.^۷

شیخ محمدتقی تستری در *قاموس الرجال* می نویسد: قطعاً جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام

۱. همو، *تاریخ نگارش های عربی*، ج ۴، ص ۲۰۰ - ۱۹۹.

۲. همان، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۱۹۳.

۴. حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۵۲۹.

5. B.carradevaux.

۶. زکی نجیب، *تحلیلی از آرای جابر بن حیان*، ص ۲۰.

۷. زکی نجیب، *تحلیلی از آرای جابر بن حیان*، ص ۲۰؛ بنگرید به: پلسنر، «جابر بن حیان و دوره پیدایش آثار عربی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ۱۳۸۶.

است. وی یادآور می‌شود دلیل اینکه شیخ طوسی و نجاشی در فهرست‌شان از جابر یاد نکرده‌اند این بود جابر جزو رجال حدیث نبود.^۱

از همه مهم‌تر نوشته‌های خود جابر است که در بخش‌های متعدد خاطرنشان می‌کند ملاقات با امام صادق علیه السلام تا چه اندازه برای او عنایت و لطف الهی بوده است و بدون این ملاقات‌ها، وی به این حد از توانایی در کیمیا دست نمی‌یافت. با وجود اینکه جابر در مورد توانایی خود در کیمیا به‌ندرت تواضع به خرج می‌دهد، با این حال تکرار می‌کند که تمام علم خویش را مرهون [امام] جعفر صادق علیه السلام است.^۲

اما از سوی دیگر آگاهی‌های خالد بن یزید به علم کیمیا و دستور وی مبنی بر ترجمه‌آثاری در زمینه‌های طب، نجوم و کیمیا،^۳ عالم بودن جابر به علم کیمیا در سده دوم هجری / هشتم میلادی را ثابت می‌کند. همچنین وجود اشخاصی چون مجریبی که صد و پنجاه سال بعد از جابر زیسته و خود را شاگرد جابر بن حیان معرفی می‌کند و نیز مؤلف *اعیان الشیعه* که ده صفحه از کتابش را به جابر اختصاص داده و آیت‌الله خویی، از علمای بزرگ جهان تشیع که جابر را شخصیتی والا معرفی می‌کند،^۴ دوباره کنکاشی در ذهن برای جستجوی بیشتر درباره این شخصیت به وجود می‌آورد.

در انتهای این بحث اینکه، جورج سارتن که نیمه دوم قرن هشتم میلادی را عصر جابر بن حیان نام‌گذاری می‌کند، می‌گوید: «اگرچه اطلاق این عصر به نام جابر تا حدی قابل مناقشه است، بگذار چنین باشد! مطالعه دقیق آثار جابر، خواه به عربی یا لاتین، یکی از ضروری‌ترین و امیدبخش‌ترین وظایف تحقیق است و این مطالعه گرچه به امیدهای برخی عرب‌دوستان جامه عمل نپوشد، جابر همچنان شخصیت ممتازی خواهد ماند؛ هم به خاطر موفقیت‌های خودش و هم به سبب روایات فریبنده‌ای که بدو مربوط است.»^۵

نتیجه

جابر بن حیان که طبق بسیاری از منابع در سده دوم هجری می‌زیست و شاگرد امام جعفر صادق علیه السلام بود، از سوی پاول کراوس، شخصیتی مجهول و مجموعه آثارش، ساخته و پرداخته گروهی از شیعیان

۱. تستری، *قاموس الرجال*، ج ۲، ص ۵۰۶.

۲. جابر بن حیان، *مختار رسائل جابر بن حیان*، ص ۵۳۱؛ لوری، *کیمیا و عرفان در سرزمین اسلام*، ص ۷۲.

۳. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۶۳۵.

۴. موسوی خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۴، ص ۳۲۸.

۵. سارتن، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، ج ۱، ص ۵۰۹.

اسماعیلی در سده سوم هجری / نهم میلادی دانسته شد.

کراوس تحقیقات گسترده‌ای در طول چهارده سال روی جابر بن حیان انجام داده است؛ اما کافی به نظر نمی‌رسد. فؤاد سزگین به نقد نظر کراوس پرداخته است. نقدهای فؤاد سزگین بر رد نظریات کراوس توانسته تا حدودی وجود جابر یا گروهی موسوم به جابر را در سده دوم هجری / هشتم میلادی ثابت کند؛ اما وی درصدد آن نیست که مشخص نماید این شخص، شاگرد امام جعفر صادق علیه السلام بوده است. به عبارتی، فؤاد سزگین تنها روی یکی از ابعاد مورد نقد کراوس تحقیق کرده و آن، اثبات کیمیای جابری در سده دوم هجری / هشتم میلادی می‌باشد، نه چیزی بیشتر. پیرامون شاگردی امام جعفر صادق علیه السلام، نوشته‌های خود جابر بن حیان، حاجی خلیفه، یحیی هاشمی و کارادوو بر این نکته تأکید دارند.

منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ طهرانی، محمدحسن، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶ ق.
۲. آقاییان چاوشی، جعفر، *شرح حال و آثار شمیمیدانان اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۳. ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۰.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۶. ارتن، جورج، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۷. امین، حسن، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۸. انوشه، حسن، *دائرةالمعارف تشیع*، مدخل «جابر بن حیان»، زیر نظر احمد صدر سیدجوادی، تهران، شهید سعید محبی، چ اول، ۱۳۷۵ ش.
۹. تستری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۰. تقی‌زاده، حسن، *تاریخ علوم در اسلام*، بی‌جا، فردوس، ۱۳۷۹.
۱۱. جابر بن حیان، *مختار رسائل جابر بن حیان*، تصحیح پاول کراوس، قاهره، مکتبه الخانجی، بی‌تا.
۱۲. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، بیروت دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۳. زکی نجیب، محمود، *تحلیلی از آرای جابر بن حیان*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۱۴. سارتن، جورج، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۱۵. سزگین، فؤاد، *تاریخ نگارش‌های عربی*، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۶. _____، *گفتارهایی پیرامون علوم عربی و اسلامی*، ترجمه محمدرضا عطائی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۷. قفطی، علی بن یوسف، *تاریخ الحکما*، به کوشش بهین دارابی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
۱۸. کربن، هانری، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۹. لوری، پیر، *کیمیا و عرفان درس‌زمین اسلام*، ترجمه زینب پودینه آقایی و رضا کوهکن، تهران، طهوری، ۱۳۸۸.
۲۰. مصاحب، غلامحسین، *دائرةالمعارف فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۲۱. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
۲۲. میه لی، آلدو، *علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان*، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
۲۳. نصر، سید حسین، *علم و تمدن در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

مقالات

۲۴. پلسنر، مارتین «جابر بن حیان و دوره پیدایش آثار عربی»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۲۲، ۱۳۸۶.
۲۵. جهانبخش، جويا، «میراث جابر بن حیان یا مرده ریگ کیمیایی غالیان؟» (یک کتاب‌گزاری و چند یادآوری)، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۰، ۱۳۸۸.
۲۶. عالم‌زاده، هادی و رضا کوهکن، «مسئله جابری (نوع‌شناسی اشارات جابر بن حیان به امام جعفر صادق علیه السلام)»، *اسلام پژوهی*، ش ۱، ۱۳۸۴.
۲۷. عظیم‌زاده تهرانی، طاهره، «جابر بن حیان و خاورشناسان»، *مشکوٰة*، ش ۸۵-۸۴، ۱۳۸۳.

